

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۶ اکتوبر ۲۰۱۸

فلم «بنگاه همسریابی ایرانی» در جشنواره فلم لندن،

فلم «مارمولک» در جشنواره سویدن!

جشنواره بین‌المللی فلم‌های کمدی استکهلم روزهای پنجشنبه تا یکشنبه ۲۱ اکتوبر در استکهلم برگزار خواهد شد. در این جشنواره، پرویز پرستویی با فلم «مارمولک» شرکت خواهد کرد. زمان نمایش «مارمولک» در این جشنواره، روز جمعه ۱۹ اکتوبر از ساعت ۱۸ و ۳۰ تا ساعت ۲۱، در سینمای «اسکاندیا»، خیابان ملکه (دروت نینگ گاتان) شماره ۲۸ نمایش داده خواهد شد.

در شبکه‌های اجتماعی و برخی رادیوهای محلی استکهلم، خبری منتشر شده است مبنی بر این که پرویز پرستویی به‌دلیل این که از سینماگران طرفدار حکومت اسلامی، از جمله طرفدار پاسدار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و پاسدار قالیباف شهردار سابق تهران است و این حکومت با این نوع ترفندها در تلاش است چهره دیگری از جامعه سرکوب و سانسور شده جامعه ایران نشان دهند در مقابل این سینما دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. به‌نظرم پرویز پرستویی هنرمند توانایی است اما متأسفانه او این هنر و خلاقیت‌های هنری خود را در خدمت حکومت اسلامی و سرداران جنگ‌طلب آن قرار داده است. برای این که به نادرست داوری نکرده باشم به‌چند نمونه از اظهارنظرهای خود پرویز پرستویی که در رسانه‌های مختلف داخل ایران، انتشار یافته‌اند اشاره کنم و قضاوت را به‌عهده خوانندگان واگذار کنم.

در پی انتخاب حجت‌الله ایوبی به‌سمت ریاست سازمان سینمایی، پرویز پرستویی در یادداشتی تأکید کرد: اگر وحدت‌مان را حفظ کنیم، می‌رویم سینمای خوب و پربراری را داشته باشیم. پرستویی در این یادداشت آورده است:

حرف زیاد است که به حرمت سینما سکوت می‌کنم اما در حال حاضر تنها چیزی که باعث شد این چند سطر را بنویسم این بود که بگویم عزیزان، بزرگان اگر در چهره تک تک مردم نگاه کنیم در می‌یابیم با امیدواری که دولت یازدهم به مردم داده، شهر یا کشورمان رنگ دیگری به خود گرفته است و بنده حقیر هم به‌عنوان یک شهروند و کوچک‌ترین عضو جامعه فرهنگی و هنری حالم خوب است و به دولت یازدهم به‌خاطر امیدی که در چهره مردم نقش بسته، خیرمقدم و تبریک می‌گویم و امیدوارم که حرف‌هایشان با کمک خود مردم جامعه عمل پیوشانند. و اما نکته آخر و مهم‌تر برای خودمان یعنی خانواده سینما.

با حضور آقای جنتی وزیر محترم ارشاد و انتخاب شایسته رئیس سازمان سینمایی کشور یعنی جناب آقای دکتر حجت‌الله ایوبی بایستی بگویم اگر وحدت‌مان را حفظ کنیم، می‌رویم سینمای خوب و پرباری را داشته باشیم. بزرگان، در این دنیای مجازی به راحتی می‌توان آدم‌ها را شناخت. به خصوص آقای دکتر ایوبی را که از زمان ریاست رایزنی فرهنگی پاریس، معاون اجتماعی وزارت کشور، حضور در سازمان اکو و بنیاد فردوسی و احیا کردن مقبره شمس می‌توان فهمید که ایشان چقدر دغدغه فرهنگی داشته و دارند و خیلی هم بی‌اطلاع از سینما و هنر نیستند.» (منبع: پارسینه، ۶ شهریور ۱۳۹۲)

سال ۱۳۸۲، زمانی که «مارمولک» در بیست و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد علاوه بر آن‌که توانست جایزه بهترین فیلم را کسب کند، جایزه بین‌المذاهب را هم دریافت کرد.

کمال تبریزی، در گفت‌وگویی که یک سال بعد از اتفاق پائین کشیدن فیلم از پرده انجام داد، به این موضوع اشاره کرد که خود او به‌عنوان کارگردان و محمدی در مقام تهیه‌کننده متوجه حساسیت‌ها روی فیلم بودند و از همین رو بعد از جشنواره و پیش از آن‌که فیلم به اکران عید برسد، آن را برای برخی از مسئولان عالی‌رتبه به نمایش گذاشتند. روایت تبریزی از آن نمایش‌ها به این شرح است: «فیلم «مارمولک» پروانه نمایش داشت. به‌دلیل حساسیت موضوع و مشکلاتی که امکان داشت در نمایش عمومی به‌وجود آید، تهیه‌کننده پیش از اکران، فیلم را برای آدم‌هایی که در راس تصمیم‌گیری کشور هستند به نمایش درآورد.» او در پاسخ به این‌که منظور از افرادی که در راس تصمیم‌گیری قرار دارند چه کسانی است چنین پاسخ داد: «قوه قضائیه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، شورای نظارت بر تولیدات صدا و سیما...»

روایت جعفر صانعی‌مقدم، مدیرکل وقت اداره نظارت و ارزشیابی از ماجرا به این شرح است: «ما به وجود رقبتی اعتقاد داریم که شاید نتوانند این‌چنین فیلم بسازند، پس تصمیم می‌گیرند رقیب خود را از دور خارج کنند. در این چهار سال، با تمام وجود حس کردم که از این دست اقدامات در سینمای ما رخ می‌دهد.»

«مارمولک» با مجموع فروش یک و نیم میلیارد تومان از پرده سینما پائین کشیده شد. (منبع: روزنامه صبح ایران «قانون»، ۱۳۹۶/۰۴/۲۸)

همین اظهارنظر به‌سادگی نشان می‌دهد که فیلم مارمولک به‌دلیل دعوای جناحی درون حاکمیت از پرده سینماها پائین کشیده شد.

پرویز پرستویی در قسمت دیگری از سخنانش به‌تأثیر شخصیت فیلم «آژانس شیشه‌ای» در زندگی‌اش اشاره کرد و ادامه داد: در میان این نقش‌ها هم‌چنان شخصیت «حاج کاظم» در من ته‌نشین شده است. این‌ها نسلی هستند که در جامعه ما بسیارند و یک به یک آب می‌شوند و از صحنه روزگار می‌روند. در سفرهای سالیانه که به هیروشیما می‌رویم، جمعی از جانبازان شیمیائی را با خود می‌بریم و وقتی باز می‌گردیم، پیامک‌هایی دریافت می‌کنیم که یکی از این عزیزان را از دست دادیم. برای همین نمی‌توانم «حاج کاظم» را فراموش کنم چون او را می‌بینم. البته اگر این سه فیلم را دیگر بازیگران و سروران من بازی می‌کردند قطعاً نقش خوبی را ایفا می‌کردند اما به این موضوع معتقدم که این نقش‌ها تنها به خوب بازی کردن کفایت نمی‌کند و باید یک اعتقادی در کنارش باشد. (منبع: تابناک، ۲۸ آذر ۱۳۹۴-۱۹ دسامبر ۲۰۱۵)

پرستویی با «دیوار عاشقان» وارد سینما شد؛ یعنی اولین فیلم دفاع مقدسی سینمای ایران. البته پیش از آن هم چندین و چند مورد فیلم جنگی در سینمای ایران تولید شده بود، اما آنچه مفهوم آن امروز برای ما با عنوان دفاع‌مقدس شناخته می‌شود، اولین بار در این فیلم نمود پیدا کرد... درباره فیلم مارمولک به «ن» جواب منفی دادم و گفتم نقش روحانی که در سناریوی شما نوشته شده است من را به یاد بازی‌های سطح پائین و نشان دادن روحانیت به‌شکلی هجوآلود می‌اندازد.

دزدی هم که شما نوشتید بی‌تعارف باید گفت که تا به حال از محله جردن به پائین نیامده است!... (منبع: رونامه فرهیختگان، ۲۳ مهر ۱۳۹۷)



حاج قاسم سلیمانی همراه پرویز پرستونی فلم «بادیگارد» را دید

خبرآنلاین (۰۹:۰۷) ۰۸/۰۱/۹۵

خبرآنلاین/ حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس به همراه پرویز پرستونی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون به تماشای فلم «بادیگارد» نشست.

حاج آقا قاسم سلیمانی که پرستونی به او ارادت خاصی دارد چه پرونده بزرگی در قتل و جنایت و ترور و جنگ دارد. شاید قاسم سلیمانی یکی از فرماندهان سپاه باشد که بیش از هر کس به خامنه‌ای نزدیک است و شاید هم محرم رازهای اوست!

از بین فرماندهان جنگ ایران و عراق، اولین فرماندهی است که در زمان زنده بودن عکسش بر روی تمبر رفته است. درگیری‌ها در سوریه و عراق، فرصتی شده تا سردارانی چون قاسم سلیمانی که به تعبیر رایج خودشان می‌گویند «در باغ شهادت باز باز است» به جنگ‌های نیابتی بروند. قاسم سلیمانی، از معدود فرماندهان جنگ ایران و عراق است که هنوز در فضای جنگ مانده و چندان به عرصه‌های دیگری مانند سیاست و اقتصاد وارد نشده است. تبلیغات گسترده رسانه‌های حکومت اسلامی در سال‌های گذشته، او را به مشهورترین فرمانده سپاه پاسداران ایران در داخل و خارج از کشور تبدیل کرده است.

سال‌ها است که نام قرارگاه خاتم‌الانبیا به عنوان مظهر رانت‌طلبی سرداران سپاه مطرح است و نام رستم قاسمی، فرمانده سابق آن و وزیر نفت دولت احمدی‌نژاد به عنوان یکی از افراد تأییدکننده چهره‌هایی چون بابک زنجانی است. در این اوضاع و احوال قاسم سلیمانی، هنوز با خاطرات و روایات روزهای جنگ باقی مانده است. نقش سپاه قدس در سوریه و عراق تنها به کار سیاست داخلی نمی‌آید، بلکه در سیاست خارجی هم به حکومت اسلامی این امکان را می‌دهد تا در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای غربی ادعای قدرت منطقه‌ای بودن داشته باشد. حکومت اسلامی، حدود هفت سال است که دیگر نه تنها از نشان دادن دخالت خود در سوریه ابائی ندارد؛ بلکه تا آنجا پیش رفته که یحیی رحیم صفوی، مشاور رهبر حکومت اسلامی، از هماهنگی کامل ایران و روسیه در سوریه می‌گوید و سخن‌گوی وزارت خارجه به صراحت از عملیات نظامی روسیه برای حفظ بشار اسد حمایت می‌کند. نشان دادن تصاویر قاسم سلیمانی با فرماندهان حزب‌الله لبنان و یا جهاد مغنیه، فرزند عماد مغنیه، هدفش این است که برپایی یک امپراتوری پان اسلامی صرفاً یک «رویا» نیست.

اتفاقات یمن و بحرین نیز سپاه پاسداران را طوری از خود بی‌خود کرده به طوری که محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه ادعا کند که پیشرفت «انقلاب اسلامی» در خارج از ایران بیش‌تر از داخل بوده است.

روایت پرستونی از شهردار جبهه: قالیباف در طول هشت سال دفاع مقدس در جبهه‌های خاکی هم شهردار بود و چه شهردار خوبی بود. هرکس هر برداشتی می‌خواهد بکند، بکند. من ارادت خاصی به این بزرگوار دارم و کتمان هم نمی‌کنم.

به گزارش مشرق به نقل از مهر، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲؛ همایش «جهاد ادامه دارد» با حضور محمد باقر قالیباف و آیت‌الله صدیقی خطیب نماز جمعه تهران در سالن سید الشهداء برگزار شد که این مراسم حاشیه‌هایی داشت.

حاضرین در این مراسم با سربندهای «یافاطمه زهرا» و «یاحسین» حاضر شده بودند و اکثراً چفیه به گردن داشتند. جوانان شرکت‌کننده در مراسم سرودی را در مقاطع مختلف همخوانی می‌کردند که بخشی از این همخوانی خطاب به رهبر انقلاب به این مضمون بود: آرزومه همیشه یاور تو باشم... میونه لشکر تو باشم... علی اکبر تو باشم...

در صف اول سالن تعدادی از جانبازان هشت سال دفاع مقدس، بر روی ویلچر نشسته بودند.

مجری مراسم هنگام فراخواندن قالیباف این دو بیتی را خواند: گفتند که عاشقی و آرام نه‌ای... در باغ خیال خم ابروی که‌ای؟! گفتند بگو به قصد قربت گفتیم... سیدعلی حسینی خامنه‌ای...

حضور پرویز پرستویی (حاج کاظم فلم آژانس شیشه‌ای) بازیگر سینما و تلویزیونی در سالن سید الشهداء نیز یکی از نکات این مراسم است. در حالی‌که چندی پیش تلویزیون مستندی از حضور پرستویی در منزل یکی از جانبازان دفاع مقدس، «حاج ناصر افشار» که پرستویی به او لقب حاج عباس (فلم آژانس شیشه‌ای) داد پخش کرد این جانباز هشت سال جنگ همراه با پرویز پرستویی در این مراسم حضور پیدا کرده بود.

پرویز پرستویی در حاشیه این مراسم گفت: قالیباف در طول هشت سال دفاع مقدس در جبهه‌های خاکی هم شهردار بود و چه شهردار خوبی بود. هرکس هر برداشتی می‌خواهد بکند، بکند. من ارادت خاصی به این بزرگوار دارم و کتمان هم نمی‌کنم.

پرستویی در پایان سخنانش گفت: خوشحالم در جمعی هستم که راحت دردل کردم و در این جلسه من سبک شدم.

حاج ناصر هم در خصوص انتخابات ریاست جمهوری اظهار کرد: از خدا می‌خواهم آن اتفاقی که در دلم آرزو دارم بیافتد تا ایران سرفراز شود. ما به این نیروها نیاز داریم.

پس از مراسم شعرخوانی کلیپ صداوسیما جمهوری اسلامی در مورد پیگیری وضعیت جانباز شیمیایی حاج ناصر افشار توسط پرویز پرستویی پخش شد. در این بین پرویز پرستویی شروع به گریه کرد. پس از پایان این کلیپ پرستویی به همراه این جانباز شیمیایی به روی سن رفت که با تشویق شدید حاضرین در سالن روبه‌رو شد.

پرستویی: وقتی کتاب «بابا نظر» را خواندم، قالیباف را شناختم. بار دیگر به جمعی آمده‌ام که می‌توانم در آن نفس بکشم. چه فضای خاکی و پاکی است. ارادت خاصی به آقای قالیباف دارم و قضاوت را به مردم می‌سپارم. من بازیگر نیستم و درد باعث شد بازیگر شوم...

پرویز پرستویی در کنار محمد باقر قالیباف در ردیف اول سالن نشسته بود.

اما قالیباف کیست که پرستویی این چنین او را ستایش می‌کند؟

قالیباف یکی از هزاران فرمانده سپاه پاسداران حکومت اسلامی در این چهل بوده و در همه سرکوب‌ها و کشتارهای مخالفین نیز نقش مهمی داشته و دارد. در عین حال او یکی جانی‌ترین و فاسدترین سرداران سپاه است.

او در جمع طرفدارانش در دوران نامزدی ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲، درباره سرکوب اعتراضات دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ گفت: «حادثه سال ۷۸ که در کوی دانشگاه اتفاق افتاد، آن نامه‌ای را که نوشته شد، من نوشتم، بنده و آقای (قاسم) سلیمانی. وقتی در کف خیابان به سمت بیت رهبری راه افتادند، بنده فرمانده نیروی هوایی سپاه بودم. عکس من الان روی موتور ۱۰۰۰ با چوب هست. با حسین خالقی. ایستادم کف خیابان که کف خیابان را جمع کنم. آن جایی که لازم باشد بیائیم کف خیابان و چوب بزنیم، جزو چوب زن‌ها هستیم. افتخار هم می‌کنیم...»

یکسال پس از حوادث کوی دانشگاه تهران و سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی، در سال ۱۳۷۹ قالیباف با حکم علی خامنه‌ای، فرمانده کل نیروی انتظامی شد و سرکوب گسترده مردم و جوانان و بهویژه زنان را به مراتب بیش از پیش ادامه داد. از جمله اقدام‌های وی در این دوران، تجهیز کردن نیروی انتظامی به خودروهای جدید و مجهز مانند مرسدس بنز و تویوتا جهت افزایش توان سرکوبگری این نیرو بود. همچنین از دیگر اقدامات قالیباف راه‌اندازی پولیس ۱۱۰ است. در فاصله پنج سال فرماندهی قالیباف بر نیروی انتظامی اقدامات سرکوبگرانه اجتماعی به بهانه‌های واهی از جمله اقدام علیه امنیت ملی و یا ترویج ابتدال فرهنگی اوج بی‌سابقه‌ای پیدا کرد.

محمدباقر قالیباف در اسفند ماه ۱۳۸۸، طی حکمی عزیرالله رجب‌زاده، فرمانده نیروی انتظامی تهران و از متهمان حوادث بازداشتگاه کهریزک و حمله به کوی دانشگاه تهران (۲۵ خرداد ۱۳۸۸) را به سمت رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران منصوب کرد.

سرانجام او شهردار کلان شهر تهران شد. «شهردار تهران بدترین عملکرد را در مواجهه با قشر محروم و مظلوم تهران و حاشیه نشین‌های این شهر داشته است... در واقع برخوردهای گازانبری قالیباف، بیش‌تر از آن که برای ساماندهی کارگران و دست‌فروشان باشد، برای فرار از انتقادات بود... وقتی از ترافیک سرسام‌آور خیابان‌های مرکزی شهر انتقاد می‌شد، این لب‌فروش‌ها بودند که لگد می‌خوردند... این تنها جایی نیست که شهردار تهران در حق محرومان و مظلومان ظلم کرده است... شهردار تهران درآمد شهر را بیش‌تر کرده است اما این افزایش درآمد از سفره مستضعف‌ترین و مظلوم‌ترین مردم تهران تأمین شده است و تلخی ماجرا این‌جاست که این درآمد عموماً صرف تبلیغات بیلوردی و رسانه‌های آقای سردار شده است... آنچه که شهردار تهران در دوازده سال گذشته انجام داده مردم ضعیف جامعه زیر چرخ‌های برنامه آقای شهردار زیر گرفته شده‌اند.» (سایت حکومتی آفتاب نیوز - ۶ اردیبهشت ۹۶)

محمدباقر قالیباف، در اختلاس، رانت‌خواری و کلاهبرداری‌ها نیز آوازه بلند و بالائی دارد. یک سایت حکومتی در این رابطه تیتیر زد: «انتشار ابعاد دیگری از فساد مالی در شهرداری تهران- لیست کامل اسامی افراد، تعاونی‌ها و سازمان‌هایی که شهردار تهران به آن‌ها ملک و رانت‌های نجومی داده است+ تصاویر و جدول». (سایت حکومتی آفتاب نیوز - ۹ شهریور ۹۵)

در شهریور ۱۳۹۵، روزنامه حکومتی شرق خبر از واگذاری املاک شهرداری با تخفیف بسیار بالا به بعضی از مدیران شهری داد و سپس سایت «معماری نیوز» متن نامه سازمان بازرسی کل کشور را در این رابطه منتشر ساخت. سایت آفتاب نیوز در ادامه می‌نویسد: «... این نامه که با سربرگ رسمی سازمان بازرسی کل کشور ارسال شده، آمده است که این واگذاریها «وفق ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» (از مصادیق جرم اختلاس) ... جرم تضییع محسوب شده و همچنین مطابق ماده ۱۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری... قابل پیگرد قانونی می‌باشد. سایت معماری نیوز همچنین نوشته است که: «گزارشی که سازمان بازرسی کل کشور منتشر کرده است؛ هیچ‌گونه مهر محرمانه‌ای نداشته و جزو اسناد طبقه‌بندی محسوب نمی‌شود و بر اساس قانون انتشار اسناد بدون طبقه‌بندی، هیچ‌گونه منع قانونی ندارد.» (همان منبع)

با این وجود اما در کمال شگفتی، قوه قضائیه به جای بازداشت قالیباف و کشاندن او به پای میز محاکمه، سردبیر سایت معماری نیوز را به جرم انتشار نامه سازمان بازرسی کل کشور با شکایت قالیباف دستگیر کرد! «یانشار سلطانی، مدیر مسؤول سایت معماری نیوز، با شکایت محمدباقر قالیباف و مهدی چمران، به دادسرا احضار شد و به زندان رفت. سایت معماری نیوز نیز از دسترس خارج شد.» (سایت حکومتی زیتون - ۲۹ شهریور ۹۵)

محمدعلی نجفی شهردار تهران، در گزارشی به اعضای شورای شهر، محمدباقر قالیباف شهردار سابق را متهم کرد که برای تأمین هزینه‌های کارزار انتخابات ریاست جمهوری خود، از منابع مالی این نهاد استفاده کرده است.

نجفی در جلسه ارائه گزارش عملکرد صد روزه‌اش گفت که شهرداری تهران با یکی از شرکت‌های وابسته به نیروی انتظامی دو قرارداد صوری به مبلغ یک میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان امضاء کرده است.

به گفته او، تنها بخشی کوچکی از مبلغ قرارداد به حساب شرکت وابسته به ناجا ریخته شده است. بر این اساس یک میلیارد و ۲۵۷ میلیون تومان به حساب بانکی متعلق به رئیس دفتر یکی از معاونان شهردار سابق واریز و این پول «خرج فعالیت‌های انتخاباتی» شده است.

به گزارش «شورا آنلاین» نجفی در گزارش ۱۰۰ روزه خود، گفت: «اواخر سال ۹۵ شهرداری با یکی از شرکت‌های نیروی انتظامی (ناجا) قراردادی را در خصوص تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد به مبلغ یک میلیارد تومان به امضاء رسانده است که شاید ارزش واقعی آن حتی ۱۰ میلیون تومان هم نبوده است.»

آنچه در بالا آمد، فقط گوشه کوچکی از سوابق فساد و کشتارهای این پاسداران سرکوبگر است. مسایلی که قاعدتا خود پرویز پرستویی به آن‌ها آگاهی دارد اما او نیز مانند بسیاری از هنرمندان و روشنفکران جامعه ما، عملاً چشم خود را به این همه وحشی‌گری و جنایت حکومت اسلامی بسته و فقط به فکر جایگاه و منافع خودش است.

اما سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، یکی از مخوف‌ترین و وحشی‌ترین نیروهای حکومت اسلامی و در واقع سپاه جهل و جنایت و ترور و غارتگر و حافظ مطلق حاکمیت و مناسبات سرمایه‌داری در جامعه ایران است. سپاه پاسداران؛ در سرکوب اعتراضات کارگران و مردمی، بازداشت و شکنجه مخالفین سیاسی حکومت در زندان‌های مخفی و ویژه خود، دخالت در انتصابات داخلی تا بازداشت‌های اقتصادی، قاچاق مواد مخدر، سلاح، شناسائی و ترور مخالفین سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج کشور، آموزش‌دهنده گروه‌های تروریستی اسلامی و تسلیح آن‌ها تا شرکت در سرکوب‌های جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ایران تا جنگ‌های داخلی کشورهای منطقه و جنگ‌های معروف به جنگ‌های نیابتی فعالیت دارد. فرماندهان سپاه در کنار دیگر سران و مقامات حکومت اسلامی، بخشی بزرگ از کلان‌سرمایه‌داری تجاری و بورژوازی ایران را تشکیل می‌دهند. بنابراین، منافع طبقاتی این نیرو با منافع اکثریت قاطع مردم جامعه ما خصوصاً کارگران و محرومان جامعه در تضاد حاد طبقاتی قرار دارد. درک این اصل از آن‌جا اهمیت دارد که نشان می‌دهد ماهیت طبقاتی این حکومت آن‌چنان است که نمی‌توان به استحاله‌پذیری‌اش و حتی حرکت کردن جزئی آن به سمت به رسمیت شناختن حقوق مردم امیدی بست. در چنین روندی، آنچه روشن است این است که امروز سپاه پاسداران و ارگان‌های امنیتی وابسته به آن، دارای آن‌چنان نفوذ سیاسی- مالی‌ای هستند که به راحتی می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در رویدادهای آینده کشور بازی کنند. اعمال سیاست‌هایی سرکوبگرانه و ماجراجویانه در منطقه است که تاکنون به‌بهانه‌های مختلف، ضربه‌هایی سنگین بر پیکر اقتصاد بیمار و اکثریت مردم ایران وارد کرد و به تشدید فقر و محرومیت میلیون‌ها شهروند جامعه ما منجر شده است.

چندی پیش نیز، جشنواره جهانی فلم لندن این روزها میزبان فلمی‌ست از ایران با نام «معرف»، ساخته آزادی رضائیان مقدم؛ مستندی درباره یک بنگاه همسریابی در ایران که گردانندگان زن آن سعی دارند زنان و مردان مختلفی را که به‌نظر می‌رسد چندان وجه تناسبی هم با یکدیگر ندارند، به هم پیوند بزنند چرا که به‌نظر آن‌ها «زن بدون شوهر یعنی زن بدون هویت».؟! این جمله‌ای که توسط یکی از گردانندگان این مرکز گفته می‌شد.

در صحنه‌ای که آن‌ها زن گریانی را نصیحت می‌کنند - زنی که از رابطه همسرش با زن دیگری شکایت دارد و به فکر طلاق است- تمام تلاش آن‌ها برای راضی کردن این زن برای ماندن با شوهرش و پذیرفتن همه تقصیرها، دیالوگ‌های

غربی را شکل می‌دهد که با مذهب پیوند می‌خورد؛ در جایی آن‌ها به این زن می‌گویند که سوره نساء را بخواند و از خدا بپرسد که چرا مردان می‌توانند با چند نفر باشند و زنان نمی‌توانند.

از طرفی تأکید چند باره آن‌ها در بخش‌های مختلف فلم به نیاز زنان برای داشتن شوهر برای گذران مالی زندگی، از واقعیت تلخی حکایت دارد در مورد جامعه‌ای که روابط عاطفی در آن بر اساس نیاز مالی و نیاز به «سرپناه» شکل می‌گیرد.

این مرکز حتی یک گردهمایی تشکیل می‌دهد تا زنان و مردان در آن‌جا با هم ملاقات و شماره به دست اعلام کنند که به دنبال چه نوع همسری هستند. غالب شرکت کنندگان از «ایمان، اصالت و اخلاق» حرف می‌زنند و...

دنیای خود این زنان گرداننده جالب است... زمانی که یکی از آن‌ها می‌گوید که در زمان جنگ مادرش از او خواسته که همسر یک جانباز شود و او به بنیاد شهید رفته و ثبت نام کرده و با مرد جانبازی ازدواج کرده که حالا سی و پنج سال است با هم زندگی می‌کنند...

حکومت اسلامی مانند حکومت هیتلر، تمام هنرها از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش به زور به تصرف خود درآورد تا از آن‌ها، در راستای اهداف و سیاست‌ها و ایدئولوژی حکومتش بهره‌برداری سیاسی کند. اکنون سینمای حکومت اسلامی مانند همه سران و مقامات و نهادهایش، فاسد شده و با حمایت حمایت شورای صنفی و سینمادارها و باندهای کثیف مالی به مسلخ حاکمیت اسلامی و آدمکش برده شده است.

مدیران و نمایندگان نهادهای دولتی و عمومی و سالن‌های حوزه هنری و بنیاد مستضعفان در خدمت فروش و سوداگری بودن همه چیز قرار گرفته‌اند. پول‌های کثیف از همه طرف وارد شده است. آن‌ها، حتی به صندوق‌های پس‌انداز بازنشستگان، معلمان و کارگران نیز دست‌درازی می‌کنند.

در این میان سینماگران واقعی حاشیه‌نشین شده‌اند و در خارج نیز با حمایت جناح‌هایی از حاکمیت جشنواره‌هایی در کشورهای مختلف تشکیل می‌شود که بی‌سروصدا و غیرمستقیم و در راستای منافع شخصی و جمعی گردانندگان‌شان، سینمای حکومت اسلامی را در افکار عمومی جامعه غربی تطهیر کنند و طرفدار هنر از جمله هنر سینما نشان دهند.

ده‌هاست که حکومت اسلامی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌هایش مراکزی را تحت عنوان مراکز فرهنگی و یا مساجد راه انداخته است. برخی از این انجمن‌ها، از جمله جشنواره‌های سینمای ایران نیز برگزار می‌کنند. البته این نوع انجمن‌ها هیچ ربطی به جشنواره‌های سینمایی ایران در تبعید ندارند.

آن‌ها، برخی فلم‌هایی را که در ایران ساخته می‌شوند به‌همراه کارگردان و یا هنرپیشه‌هایی که نقش اول را در آن فلم‌ها ایفا کرده‌اند به جشنواره‌های خود می‌آورند. در حالی که همگان می‌دانند خروج فلم سینمایی از ایران، باید مسیرهای قانونی خود را طی کند و نهایت با مجوز وزارت ارشاد اسلامی و گمرک آن، از کشور خارج شود. مسئولین کانون‌ها و انجمن‌هایی که این کارها را انجام می‌دهند باید به ایران رفت و آمد داشته باشد و نهایت با مأموران ارشاد و گمرک و کارگردان و صاحب امتیاز فلم مورد نظر به‌توافق برسند. یعنی نخست باید از سوی مسئولین حکومت اسلامی اجازه خروج فلم داده شود تا به‌همراه آن نیز کارگردان و یا مدیر و یا چند هنرپیشه‌ای که رل اول آن‌ها را بازی کرده‌اند، از ایران خارج شوند. از سوی دیگر، آوردن و نمایش آن در سینماهای کشورهای غربی از جمله سویدن، بسیار پرخارج است و به هیچ‌وجه یک «انجمن فرهنگی مستقل» نمی‌تواند مخارج هنگفت آن را تأمین کند. پس باید از جایی این روابطه با مسئولین حکومت اسلامی و هزینه‌ها آن تأمین گردد. این بخش از فعالیت‌های انجمن‌های به اصطلاح فرهنگی، همیشه برای همه کسانی که این نوع انجمن‌ها و فعالیت‌هایشان را رصد می‌کنند همچنان در پشت پرده ابهام باقی مانده است! تازه برخی از این انجمن‌ها، مدعی اند که مثلاً به‌کودکان فقیر در ایران کمک می‌کنند. اما آن‌چه که

روشن است گردانندگان این انجمن‌ها همه سؤالات بی‌جواب می‌گذارند و نمی‌گویند که این همه مخارج سنگین جشنواره سینمای ایران را از طریق نهادهای سویدنی، انگلیسی، المانی و غیره تأمین می‌کنند و یا آن‌قدر مشتری دارند که هزینه‌هایشان را تأمین می‌کنند!

نهایتاً اعتراض به این نوع اقدامات، در واقع اعتراض به سوءاستفاده‌های حکومت اسلامی و به‌طور کلی سیستم سرمایه‌داری از هنر است نه اعتراض به جوهر هنر و خود هنرمند. اصولاً هنر برای مردم آفریده می‌شود بنابراین، طبیعی‌ست که چنین هنری، در خدمت مردم باشد اگر هنری حکومتی و یا تحت کنترل آن باشد دیگر هنر نیست ابزار تبلیغی حاکمیت است. به‌خصوص حکومت‌های آدمکش و تروریستی مانند حکومت اسلامی که بر همه هنرهای جامعه ایران چنگ انداخته و در این چهل سال، با سانسور و اختناق، زندان و شلاق، شکنجه و اعدام همه توان و ظرفیت‌های غیرانسانی و وحشیانه خود را به‌کار بسته تا از هنر و هنرمند برای بقای حاکمیت خونین خود بهره گیرد باید در نزد افکار عمومی جهان رسوا گردد!

اما زمان، همواره به جلو حرکت می‌کند. به‌این ترتیب، تاریخ سکون نیست و طبیعت آن حرکت کردن و جلو رفتن است. بنابراین، حرکت تاریخ، رو به آینده دارد نه به گذشته. به‌عبارت دیگر، تجارب گذشته، چراغ راه آینده است. البته حکومت‌های مستبد و دیکتاتوری و بربری همچون حکومت اسلامی ایران، می‌توانند با سرکوب و سانسور و کشتار وحشیانه، موانعی در مقابل حرکت تاریخ ایجاد کنند و کمی از سرعت آن بکاهند. اما به‌هیچ‌وجه قادر نیستند مسیر حرکت تاریخ به جلو را ببندند. اکنون زمانی از تاریخ ایران فرا رسیده که فاتحان ستمگر دیروزی در معرض شکست و فروپاشی قرار دارند و سرکوب‌شدگان و استثمارشدگان و ستم‌دیدگان افق پیروزی خود را می‌بینند.

دوشنبه بیست و سوم مهر [میزان] ۱۳۹۷ - پانزدهم اکتوبر ۲۰۱۸